

سیمای امنیت

و نظم عمومی

در گستره

آیات الهی

شاهرخ محمدیگی*

امنیت و نظم عمومی در گستره آیات الهی

انسانها برای زندگی راه و رسمی را انتخاب می‌نمایند که یکی از آنها دینی است که پیامبران به انسانها می‌آموزند، چون اساساً در عرف قرآن دین به راه و رسم زندگی اطلاق می‌شود و مؤمن و کافر حتی کسانی که صانع را منکرند، بدون دین نیستند زیرا زندگی انسان، بدون داشتن راه و رسمی خواه از ناحیه نبوت و وحی باشد یا از راه وضع و قرار داد بشری اصلاً صورت نمی‌گیرد^(۱). اگرچه انسان در مقام برخورد با هموعان خود اجتماع تعاونی را پذیرفته و بدین وسیله در حقیقت بخشی از آزادی عمل خود را برای نگهداری بخشی دیگر فدا نموده است، ولی مجرد بناگذاری اجتماع تعاونی با وجود عدم تعادل و تفاوت فاحشی که در مقام موازنه در نیروی روحی و جسمی افراد است دردی را دوا نمی‌کند و برخورد منافع افراد همین اجتماع که برای اصلاح و رفع اختلاف بوجود آمده، اولین سبب بروز فساد و اختلاف می‌شود.

بدین ترتیب، ضرورت یک سلسله مقررات مشترک در میان افراد یک جامعه کاملاً حس می‌شود، زیرا بدیهی است که حتی در یک معامله داد و ستد ناچیز، اگر مقررات مشترکی که نزد فروشنده و خریدار قابل قبول و محترم باشد وجود نداشته باشد معامله تحقق نمی‌پذیرد. پس باید در میان افراد جامعه قوانینی بوجود آید که با جریان آن، اجتماع از متلاشی شدن و منافع افراد از ضایع شدن، محفوظ و

مصون بماند و دستگاه آفرینش که هدایت انواع بسوی هدف و سعادتشان جزو برنامه اوست، انسان را به سوی قانونی که سعادت جامعه را تضمین می‌کند هدایت نماید. خدای متعال می‌فرماید «مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ»^(۲) آسان نمودن راه زندگی برای انسان که زندگی اجتماعی برایش مقدر شده است، این است که قوانین و مقرراتی در دسترس وی گذاشته شود^(۳) که از جمله آنها موضوع امنیت و نظم عمومی در زندگانی اجتماعی انسانهاست. این موضوع از موضوعات و مباحث اصولی ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام است و به تعبیر دیگر دومین هدف پیامبران بعد از تبشیر و انذار (هشدار دادن)^(۴) ایجاد امنیت و نظم عمومی از طریق رفع اختلاف بر مبنای کتاب الهی است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ بَيْنَ النَّاسِ فَمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»^(۵)، «[در آغاز] مردم امت یگانه‌ای بودند، آنگاه خداوند پیامبران مژده‌آور و هشدار دهنده برانگیخت و بر آنان به حق کتابهای آسمانی نازل کرد تا در هر آنچه اختلاف می‌ورزند میان مردم داوری کنند»^(۶). به بیان دیگر امنیت نخستین و مهمترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است، به همین دلیل ابراهیم علیه السلام هنگام بنای کعبه نخستین چیزی را که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»^(۷) و نیز به همین دلیل سخت‌ترین مجازات‌ها در فقه اسلامی، برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می‌افکنند^(۸).

این بلد امن، مرکزی برای ایجاد عدالت و امنیت و نظم عمومی قرار داده شده است: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ

* - دکتر شاهرخ بیگی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

۱ - قرآن در اسلام، سید محمد حسین طباطبائی، ص ۹.

۲ - سوره عبس، آیه ۲۰.

۳ - قرآن در اسلام، سید محمد حسین طباطبائی، ص ۹۰.

۴ - آشنایی با قرآن، سوره‌های حمد و بقره، شهید مطهری، ص ۷۵.

۵ - سوره بقره، آیه ۲۱۳.

۶ - قرآن، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۳۳.

۷ - سوره ابراهیم، آیه ۳۵.

۸ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۵۳۹.

خداوند این هر سه موضوع را در اختیار سلیمان قرار داده بود و او نیز به نحو احسن برای رفاه مردم و عمران و آبادانی و امنیت از آنها بهره می‌گرفت. این موضوع اختصاص به عصر سلیمان و حکومت او ندارد و توجه به آن، امروز و فردا و اینجا و همه جا برای اداره صحیح کشورها ضرورت دارد^(۴).

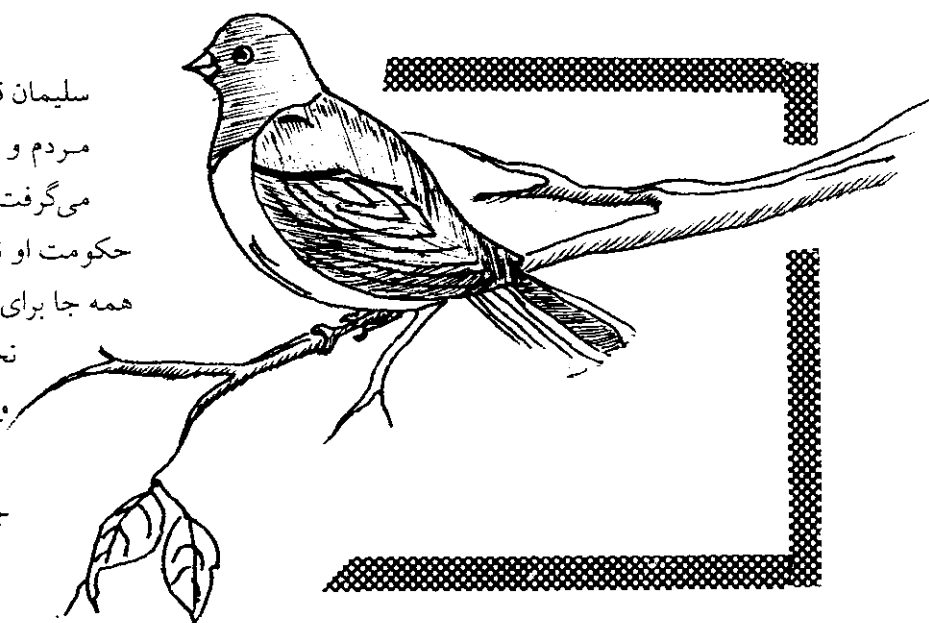
نحوه اطلاع رهبر از دایره حکومتش به وسایل و مقتضیات زمانش مرتبط است. به عنوان مثال، پیامبر ﷺ مأمورانی برای جمع‌آوری اطلاعات قرار داده بود که از آنها بعنوان «عیون» تعبیر می‌شد تا آنچه را که ارتباط با سرنوشت جامعه

اسلامی در داخل و خارج داشت برای او گردآوری کنند، به همین دلیل، حکومت اسلامی می‌تواند مأموران اطلاعاتی داشته باشد یا سازمانی برای گردآوری اطلاعات تأسیس کند و آنجا که بیم توطئه بر ضد جامعه و یا به خطر انداختن امنیت و حکومت اسلامی می‌رود به تجسس برخیزند، ولی این امر هرگز نباید بهانه‌ای برای شکستن حرمت قانون اصیل اسلامی «عدم تجسس» شود و افرادی به بهانه «توطئه» و «اخلال به امنیت» به خود اجازه دهند که به زندگی خصوصی مردم یورش برند و نامه‌های آنها را باز کنند، تلفن‌ها را کنترل نمایند و وقت و بی وقت به خانه آنها هجوم آورند.

نکته مهم این است که مرز میان «تجسس» و «به دست آوردن اطلاعات لازم برای حفظ امنیت جامعه» بسیار دقیق و ظریف است و مسئولین اداره امور اجتماع باید دقیقاً مراقب این مرز باشند، تا هم حرمت اسرار انسانها حفظ شود و هم امنیت جامعه و حکومت اسلامی به خطر نیفتد^(۵).

عوامل ایجاد امنیت و نظم عمومی

بیان شد که داستان حکومت سلیمان ﷺ نمونه قرآنی خوبی برای اداره جامعه ماست. از آن جمله در جریان



قیاماً لِلنَّاسِ»^(۱) و «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ»^(۲) اولین خانه‌ای که برای قیام مردم ساخته شده و خداوند آن را محترم شمرده همانا کعبه است. با این تلقی که قبله ما محل قیام (به قسط و عدالت) است می‌توان گفت که عبادت ما عین عدالت ماست و عدالت ما عین عبادت ماست^(۳).

در حج، این مراسم عبادی - سیاسی مسلمانان، همگی می‌آموزند که چگونه می‌توان با کمال امنیت و نظم با یکدیگر زندگی کرد، امنیت و نظم عمومی در پرتو برخورداری افراد یک جامعه از عقاید صحیح، اخلاق حسنه و احکام الهی حاصل می‌شود. داستان زندگی حضرت سلیمان ﷺ در قرآن یک نمونه عالی از حکومتی است که توانست امنیت و نظم عمومی را در جامعه ایجاد نماید. به عبارت دیگر؛ ولایت سلیمانی شایسته حکومت انسانی است و در حقیقت تشکیل حکومت صالحان اولین گام اساسی برای ایجاد امنیت و نظم عمومی است. برای اداره یک حکومت وسیع و کشور پهناوری همچون کشور سلیمان عوامل زیادی لازم است، ولی از همه مهمتر سه عامل است:

- ۱ - یک وسیله ارتباطی سریع و مستمر و فراگیری که رئیس حکومت بتواند با آن از تمام جوانب کشورش آگاه گردد.
- ۲ - مواد اولیه‌ای که برای تهیه ابزار لازم برای زندگی مردم و صنایع مختلف، مورد استفاده قرار گیرد.
- ۳ - نیروی فعال کار که بتواند از آن مواد بهره‌گیری کافی کند و کیفیت لازم را به آنها بدهد و نیازهای مختلف کشور را از این نظر برطرف سازد.

۱ - سوره مائده، آیه ۹۷. ۲ - سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۳ - سیمای نماز در گستره آیات الهی، شاهرخ محمد بیگی، فصلنامه فرهنگ فارس، شماره ۶، ص ۸۹.

۴ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۸، ص ۳۷-۳۸. (راجع به تفسیر آیه ۱۳، سوره سبأ).

۵ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۱۸۸.

داستان ههد به سه نکته اساسی می‌رسیم:

۱ - در محیط جامعه باید آنقدر صراحت و آزادی وجود داشته باشد که حتی یک فرد عادی بتواند در موقع لزوم به رئیس حکومت بگوید: «من از چیزی آگاهم که تو نمی‌دانی!».

۲ - در سازمان اجتماعی بشر، نیازهای متقابل آنقدر زیاد است که گاه سلیمان‌ها محتاج یک پرنده می‌شوند^(۱). به عبارت دیگر بهره‌مندی از تمامی نیروها برای اداره جامعه، از هر فردی به مقدار توانایی و وسعت و کارآمدی‌اش، لازم و ضروری است.

۳ - ممانعت از نیروهای مخل و ستمگر با بهره‌مندی از قدرت نظامی و نیروی اطلاعاتی، به همان نحوی که سلیمان علیه السلام «دیوها را در بند کرده و ظالمان را بر سر جای خود نشانده بود»^(۲).

۱ - مدیریت سالم

امنیت و نظم عمومی یک جامعه در پرتو برخورداری جامعه از یک مدیریت سالم حاصل می‌شود. از جمله عوامل آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - تعهد ۲ - تخصص ۳ - توان و قدرت

قرآن از آن زبان حضرت یوسف علیه السلام که خود را شایسته پست کلیدی اقتصاد مملکت دانسته چنین می‌گوید: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^(۳). یوسف علیه السلام با پشتوانه تعهد و تخصص توانست با سه شرط: الف - تولید بیشتر، ب - نظارت بر مصرف، ج - آینده‌نگری؛ عدالت اقتصادی را که یکی از ابعاد امنیت و نظم عمومی است، بوجود آورد^(۴).

همچنین، قرآن علت شایستگی طالوت به فرماندهی در جنگ را چنین بیان کرده است: «إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفِيَهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»^(۵)، از زبان دختر شعیب علیه السلام درباره موسی علیه السلام چنین آمده است که: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»^(۶). امام علی علیه السلام گفته است که: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»^(۷)، مردم! سزاوار به خلافت [= حکومت] کسی است که به آن تواناتر باشد و در آن به فرمان خدا داناتر».

۲ - علم و آگاهی

علم و آگاهی یکی دیگر از عوامل ایجاد امنیت و نظم

است. این موضوع از دو راه قابل بررسی است:

الف - بالا بردن فرهنگ عمومی جامعه اسلامی:

قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^(۸) که در جامعه اسلامی، تأییدها و تکذیب‌ها باید بر اساس شناخت باشد نه بر پایه شایعات و گمان‌ها. در این آیه به یکی از مهمترین اصول زندگی اجتماعی اشاره شده است که نادیده گرفتن آن نتیجه‌ای جز هرج و مرج اجتماعی و از بین رفتن روابط انسانی و پیوندهای عاطفی نخواهد داشت و اگر به راستی این برنامه قرآنی در کل جامعه انسانی و همه جوامع بشری به طور دقیق اجرا شود، بسیاری از نابسامانی‌ها که از شایعه‌سازی و جوسازی و قضاوت‌های عجولانه و گمان‌های بی‌اساس و اخبار مشکوک و دروغ سرچشمه می‌گیرد بر چیده خواهد شد. در غیر این صورت، هرج و مرج در روابط اجتماعی همه جا را فرا خواهد گرفت و هیچکس از گمان بد دیگری درامان نخواهد بود. هیچکس به دیگری اطمینان پیدا نخواهد کرد و آبرو و حیثیت افراد همواره در مخاطره قرار خواهد گرفت^(۹).

ب - زمینه علم و آگاهی را برای جامعه فراهم نمودن و

مردم را در جریان امور قرار دادن

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الظُّلْمَ لَا يُغْنِي عَنِ الْحَقِّ شَيْئًا». همچنین در نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر به این امر اشاره شده است که زمانی که ملت گمان کردند تو نسبت به آنها ظلم و ستمی روا داشته‌ای، وظیفه‌داری دلائل و براهین خود را نسبت به کاری که موجب سوءظن ملت و زدن اتهامات شده است را به طور آشکار و بدون هیچ ابهامی

۱ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۵، ص ۴۴۶-۴۴۷.

۲ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۵، ص ۴۴۲.

۳ - آیه ۵۵، یوسف (۱۲)، ۴ - تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۹-۱۱.

۵ - سوره بقره، آیه ۲۴۷. ۶ - سوره قصص، آیه ۲۶.

۷ - نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۱۷۹.

۸ - سوره اسراء، آیه ۳۶.

۹ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم، ج ۱۲، ۱۱۸.

برای عموم ملت بازگو کنی، به طوری که با بیان صریح دلائل و براهین تو، سوء ظن و موارد اتهام از طرف ملت برطرف شود.

زیرا این کار تو:

۱ - باعث تعلیم و تقویت نفس خودت به عدالت خواهد.

۲ - نسبت به ملت، نهایت ملاحظت و مهربانی را کرده‌ای.

۳ - ملت را، متوجه قدم نهادن در راه مستقیم و حق نموده‌ای^(۱).

علی‌الاسائه»، هیچگاه نباید نیکوکار و بدکار در نظر تو یکسان باشند، زیرا این امر سبب می‌شود که نیکوکاران به کار خود بی‌رغبت شوند و بدکاران جسور و بی‌پروا گردند^(۷).

در داستان سلیمان، سؤال او از غیبت هدهد خود یک درس آموزنده است. یک حکومت سازمان یافته و منظم و پرتوان، چاره‌ای ندارد جز اینکه تمام فعل و انفعالاتی را که در محیط کشور و قلمرو او واقع می‌شود را زیر نظر بگیرد و حتی بود و نبود یک پرنده، یک مأمور عادی را از نظر دور ندارد^(۸).

۳ - تشویق و تنبیه

سیاست تشویق و تنبیه بر مبنای تبشیر و انذار می‌تواند موجب امنیت و نظم عمومی در جامعه اسلامی گردد و به عبارت دیگر عدالت را بر مبنای تعادل تضمین نماید. به بیان دیگر، وظیفه قوه قضائیه فقط تنبیه خائنان نیست بلکه تشویق خادمان نیز باید در حیطه وظایف آنان قرار گیرد. امام علی علیه السلام فرموده است: «أَزْجَرُ الْمُسِيءِ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ»^(۹) «با پاداش دادن به نیکوکار بدکار را بی‌آزار»^(۳).

از نظر قرآن، هیچ حکومتی نمی‌تواند بدون تشویق خادمان و مجازات و کیفر خطاکاران به پیروزی برسد و این همان اصلی است که ذوالقرنین از آن بخوبی استفاده کرد^(۴). قرآن از زبان وی نقل می‌کند که: «قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نَكْرًا * وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ ضَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحَسَنَىٰ وَنَسْقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا»^(۵)، «ذوالقرنین گفت: اما آن کسانی که دست به سبه کاری زده‌اند به زودی عذابشان خواهیم کرد و بعد از مرگ به سوی پروردگارشان باز می‌گردند و پروردگارشان رل با عذابی ناهنجارتر معذب خواهد ساخت * و اما آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاوردهای شایسته‌ای داشته‌اند، برای آنان پاداشی است بهتر از پاداش دنیا که عطایشان خواهد شد و ما فرمان می‌دهیم تا رفاهیت و آسایش در اختیارشان قرار بگیرد»^(۶).

امام علی علیه السلام در فرمان معروفش به مالک اشتر که یک دستورالعمل جامع کشورداری است می‌فرماید: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، فَاِنْ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لَاهِلِ الْاِحْسَانِ فِي الْاِحْسَانِ وَتَدْرِيبًا لَاهِلِ الْاَسَاةِ

۴ - قدرت

یکی دیگر از عواملی که موجب امنیت و نظم عمومی می‌گردد، آمادگی نظامی و توان و قدرت کافی برای مقابله با گروه‌هایی است که می‌خواهند امنیت و نظم جامعه اسلامی را برهم زنند. به بیان قرآنی، این آمادگی نظامی ایجاد ترس در دل دشمنان شناخته و ناشناخته می‌کند و از خیال خام خود منصرف می‌گردند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُوْنَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»^(۹)، «و در برابر آنان هر نیرویی که می‌توانید (از جمله نگهداری اسبان) فراهم آورید، تا به آن وسیله دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید، همچنین دیگرانی را هم غیر از آنان، که شما ایشان را نمی‌شناسید و خداوند می‌شناسدشان»^(۱۰).

در دین اسلام، هزینه کردن در این راه مصداق انفاق فی سبیل الله می‌باشد، انفاقی که منافع و اجر و پاداش آن نیز

۱ - قانون اساسی حکومت امام علی علیه السلام، علی انصاریان، ص ۳۰.

۲ - المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، محمد دشتی، کاظم محمدی، ص ۴۴۰.

۳ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۳۹۲، (کلمه قصار ۱۷۷).

۴ - تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۳۸. ۵ - آیه ۸۷-۸۸، سوره الکهف (۱۸).

۶ - معانی القرآن (ترجمه و تفسیر قرآن)، محمد باقر بهبودی، ص ۳۰۷.

۷ - تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۳۸.

۸ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۵، ص ۴۴۱.

۹ - آیه ۶۰، سوره الانفال (۸).

۱۰ - قرآن، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۱۸۴.

باز به خود امت اسلامی بر می‌گردد: «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ»^(۱)، «و آنچه در راه خدا انفاق کنید، پاداشش به شما بر می‌گردد»^(۲).

در پرتو این آمادگی و توازن رزمی است که جامعه اسلامی مورد ظلم و ستم قرار نمی‌گیرد و امنیت و نظم عمومی به نحو احسن در آن حاصل می‌گردد. «وَأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ»، «و بر شما ستم نمی‌رود»^(۳).

۵- امر بمعروف و نهی از منکر

از جمله اموری که انسانهای مؤمن به آن ملزم شده‌اند، مسئله نظارت عمومی و یا امر به معروف و نهی از منکر است. در قرآن آمده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^(۴)، «و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند».

محدوده این امر به معروف و نهی از منکر برای ناس یعنی تمام مردم است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^(۵)، «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، در حالی که به کار پسندیده فرمان دهید و از کار ناپسند باز دارید».

بدیهی است کسانی توانایی انجام این واجب الهی را خواهند داشت که اول به خودسازی پرداخته باشند: «أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^(۶)، «گروهی درست‌کردارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند* به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند».

مسلمانان به وسیله این خودسازی و نظارت عمومی، در جامعه جوی را فراهم می‌کنند که اصلاحات اجتماعی با سرعت بیشتری پیش رود:

«وَأُتْرَقُ عُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»^(۷) «و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگاند»^(۸). این نظارت عمومی می‌تواند هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی داشته باشد که جنبه گروهی آن به مراتب اثر بیشتری خواهد داشت.

ناگفته نماند که در مسأله امر به معروف و نهی از منکر، وسعت دید یعنی شناخت زمان و مکان به عبارت دیگر گستره بینش و شناخت مسائل و مشکلات جامعه، کرد از اهمیت بالایی برخوردار است. در صورتی که انسانهای مؤمن و دارای بینش وسیع، توان و هم خود را صرف این امر کنند بهره بیشتری حاصل می‌شود.

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر یکی از ابواب جهاد^(۹) و از مصادیق بارز جهاد فی سبیل الله است، بر این اساس و بنا به توصیه قرآن، در جهاد باید سراغ مهره‌های اصلی رفت: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ»^(۱۰)، «پس با پیشوایان کفر بجنگید». در این منظر قرآنی، سرگم شدن به معلولها و غفلت از علتها، موجب ناکامی امر به معروف و نهی از منکر می‌شود.

دیگر آنکه در راه امر به معروف و نهی از منکر باید همواره از انسانهای مؤمن و صالح کمک گرفت و از کسانی که اعتقاد به این هدف ندارند دوری جست. در تاریخ کربلا چنین می‌خوانیم که امام حسین علیه السلام در میان راه به «عبیدالله بن حر» برخورد کرد. امام علیه السلام به دیدن «عبیدالله» رفت و او را احترام فراوان نمود، اما هنگامی که امام او را دعوت به یاری نمود، او سوگند یاد کرد که از کوفه بیرون نیامده مگر به خاطر اینکه از این جنگ کناره‌گیری کند. سپس اضافه کرد، من می‌دانم اگر با این گروه نبرد کنی نخستین کشته خواهی بود ولی این شمشیر و اسبم را تقدیم شما می‌کنم. امام صورت از او برگرداند و فرمود «هنگامی که از جان خود مضایقه داری نیازی به مال تو نداریم». سپس این آیه را تلاوت کرد: «وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا»^(۱۱)، اشاره به

۱- آیه ۶۰، سوره الانفال (۸).

۲- قرآن، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۱۸۴.

۳- آیه ۶۰، سوره الانفال (۸). ۴- آیه ۱۰۴، سوره ال عمران (۳).

۵- آیه ۱۱۰، سوره ال عمران (۳). ۶- آیه ۱۱۴-۱۱۳، سوره ال عمران.

۷- آیه ۱۱۴، سوره ال عمران (۳).

۸- قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ص ۶۴.

۹- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شهید ثانی (زین الدین الجعی العالملی)، ج ۲، ص ۹ (۴۰-۴۲).

۱۰- آیه ۱۲، سوره التوبه. ۱۱- آیه ۵۱، سوره الکهف.

اینکه تو گمراهی و گمراه کننده و شایسته دستگیری نیستی^(۱). به هر حال نداشتن یار و یاور از این بهتر است که انسان از افراد آلوده و ناپاک یاری بطلبد و آنها را گرد خود جمع نماید^(۲). نکته دیگر این است که ایجاد امنیت و نظم عمومی بر پایه عدل و قسط، حتی برخون مسلمانها ترجیح دارد: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِئَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^(۳)، «و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم درگیر جنگ شوند شما اهل ایمان در میان آنان صلح و صفا برقرار سازید و اگر یک طایفه بر طایفه دیگر ستم کرد که با خودخواهی حق آنان را پایمال کند شما باید با طایفه خود خواه ستمگر پیکار کنید تا آنگاه که از خودخواهی دست بدارد و به فرمان خدا بازگردد پس اگر به فرمان خدا گردن نهاد با عدالت و انصاف میان آن دو طایفه را اصلاح کنید و حتماً حق را به صاحب حق بازگردانید نه آنکه با حق کشی صلح و صفا را برقرار سازید. خداوند رحمان دادگران را دوست دارد»^(۴).

اگر جامعه اسلامی این روش را شیوه خود سازد، زمینه رحمت الهی را فراهم نموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^(۵)، «پس میان دو برادر خود را - اگر درگیر نزاع هستند - اصلاح کنید و از خشم خدا بترسید که با هواداری از یکی، حق آن یک را ناحق کنید باشد که مورد رحمت الهی قرار بگیرید»^(۶).

۶- اخلاق

یکی دیگر از مباحث مهم که جامعه از منابع و آثار مفید آن برخوردار می شود توجه به موضوعات اخلاقی است که در رشد افراد جامعه به صورت فردی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. هر چه مسئولان فرهنگی جامعه اسلامی در این راه سرمایه گذاری نمایند به امنیت و نظم عمومی جامعه یاری رسانده اند.

همان گونه که برای سلامت جسم انسانها دو راه وجود دارد: اول بهداشت و دوم درمان؛ به همین صورت اخلاق نیز به منزله بهداشت روان انسانهاست که از مفسدات الزامی پیشگیری می نماید. سپس نوبت به درمان یعنی احکام، می رسد. به عبارت دیگر اجرای احکام ظاهر اجتماع را پاک

نگه می دارد و اخلاق علاوه بر ظاهر، باطن جامعه را هم پاک نگه می دارد و این دو با هم و در کنار هم نتیجه بخش است و یکی از این رو جای دیگری را پر نمی کند. توجه به هر دو آنها موجب می شود که مدینه فاضله و شهر سالم ایجاد گردد.

قرآن بعد از آنکه از مؤمنان جامعه اسلامی به عنوان برادران ایمانی یکدیگر نام برده، برای ایجاد امنیت کامل و نظم عمومی و استحکام روحیه اخوت اسلامی، مؤمنین را ترغیب به رعایت دستورات ششگانه اخلاقی می نماید: (۷)

- ۱- نهی از مسخره کردن
- ۲- نهی از عیب جویی
- ۳- نهی از القاب زشت
- ۴- نهی از گمان بد
- ۵- نهی از تجسس
- ۶- نهی از ترغیب

۷- همزیستی مسالمت آمیز

یکی دیگر از عواملی که موجب می شود امنیت و نظم عمومی در جامعه سامان یابد و پایدار بماند، همزیستی مسالمت آمیز با پیروان دیگر ادیان آسمانی و ترجیح صلح بر جنگ است. باید توجه داشت که جنگ در اسلام هیچگاه به عنوان یک ارزش تلقی نمی شود بلکه از این نظر که مایه ویرانی و اتلاف انسانها و نیروها و امکانات است، ضد ارزش محسوب می شود.

جنگ و نزاع، در برخی از آیات قرآن در ردیف عذابهای الهی قرار گرفته است. در سوره انعام آیه ۶۵ می خوانیم: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ تَحْتِ أَنْ جِلْدِكُمْ أَوْ يُلَيْسَكُمُ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم مِّنْ بَعْضٍ»، «بگو خداوند قادر است عذابی از طرف بالا - همچون صاعقه - یا از زیر پای شما - همچون زلزله - بر شما بفرستد، یا شما را

۱- «و من آن نسیم که گمراه گران را همکار خود بگیرم». قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، ص ۲۹۹.

۲- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۴۶۸.

۳- سوره حجرات، آیه ۹.

۴- معانی قرآن (ترجمه و تفسیر قرآن)، محمد باقر بهبودی، ص ۵۲۲-۵۲۳.

۵- سوره حجرات، آیه ۱۰.

۶- معانی قرآن (ترجمه و تفسیر قرآن)، محمد باقر بهبودی، ص ۵۲۳.

۷- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۱۸۵.

به صورت دسته‌های پراکنده قرار دهند و طعم جنگ و خونریزی را به گروهی از شما وسیله گروه دیگر بچشانند. در اینجا جنگ چیزی در ردیف صاعقه و زلزله و بلاهای زمینی و آسمانی شمرده شده است و به همین دلیل در اسلام تا آنجا که امکان دارد از جنگ پرهیز می‌شود.

در عین حال، آنجا که موجودیت امتی به خطر می‌افتد، یا اهداف والا و مقدس او در معرض سقوط قرار می‌گیرد، جنگ یک ارزش می‌شود و عنوان جهاد فی سبیل الله به خود می‌گیرد^(۱). در منطق قرآن، هم زمان با حفظ ارزشهای اسلامی ترجیح صلح بر ادامه جنگ خود یک سنت حسنه است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَنِحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^(۲)، «اگر آنها تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی و بر خدا تکیه کن که او شنوا و دانا است»^(۳).

در پرتو این همزیستی مسالمت آمیز محیطی فراهم می‌شود که پیروان دیگر مکاتب بتوانند برای آشنایی با وحی الهی و شناخت مکتب اسلام به تحقیق و تفحص پردازند که ریشه بسیاری از ناباوری‌ها در ناآگاهی‌ها است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»^(۴)، «اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود آنگاه او را به سر پناهنش برسان. آن بدین سبب است که آنان مردمی هستند که نمی‌دانند»^(۵).
به بیان دیگر، پیشرفت و پیشبرد اسلام بیشتر براساس نشر آگاهی‌ها است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ فَتَوَزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرَّجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ»^(۶)، «چون روز قیامت شود خداوند عزوجل مردم را در یک زمین مسطح گرد هم می‌آورد و میزانشها برقرار می‌شود پس خونهای شهیدان با مرکب دانشمندان سنجیده می‌گردد ولی وزن مرکب دانشمندان بر خون شهیدان راجح و افزون باشد»^(۷).

منابع و مأخذ

- ۱ - آشنایی با قرآن (سوره حمد و بقره)، شهید مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا.
- ۲ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، انتشارات

دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲-۱۳۶۶ ش.

- ۳ - الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی (زین الدین جیبی العاملی)، قم، انتشارات چاپخانه قم، ۱۳۵۹ هـ.
- ۴ - دیوان حافظ، به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی - نذیر احمد، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲ ش.
- ۵ - سیمای نماز در گستره آیات الهی، شاهرخ محمد بیگی، شیراز، فصلنامه فرهنگ فارس. سال دوم، شماره ۲، ص ۸۷-۱۱۴، تابستان ۱۳۷۴ ش.
- ۶ - قانون اساسی حکومت امام علی علیه السلام، علی انصاریان، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹ ش.
- ۷ - قرآن، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات نیلوفر و انتشارات جامی ۱۳۵۷ ش.
- ۸ - قرآن، ترجمه جلال الدین فارسی، تهران، انتشارات انجام کتاب، ۱۳۶۹ ش.

- ۹ - قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۰ - قرآن در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۱ - کتاب من لایحضره الفقیه، شرح صدوق، ترجمه: علی اکبر غفاری و ...، تهران، نشر صدوق، ۶۷-۱۳۶۹ ش.
- ۱۲ - معانی القرآن (ترجمه و تفسیر)، محمد باقر بهبودی، تهران، نشر خانه آفتاب، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۳ - المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فواد عبدالباقی، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۷ هـ.
- ۱۴ - المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، محمد دشتی، کاظم محمدی، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ هـ ق.
- ۱۵ - نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

۱ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲۱، ص ۴۰۸-۴۰۹.

۲ - سوره انفال، آیه ۶۱.

۳ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲۱، ص ۴۹.

۴ - سوره التوبه، آیه ۶.

۵ - قرآن ترجمه جلال الدین فارسی، ص ۳۷۵.

۶ - کتاب من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، روایت ۵۸۵۳.

۷ - کتاب من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ترجمه علی اکبر غفاری، ج ۱۶، ص ۳۴۵.